



دوره هشتم - سال اول - شماره ۲۸
پنجشنبه ۲۲ آذر ۱۳۶۳
بها ۲۰۰ ریال

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سران جمهوری اسلامی دست به جنایت هولناک جدیدی زدند. در جریان اعتصاب ده هزار نفری کارگران و دیگر کارکنان کارخانه ذوب آهن اصفهان، ارگان های سرکوبگر رژیم ۲۰ نفر از کارکنان را دستگیر و ۱۰ نفر از آنان را بدون کوچکترین مجوز قانونی و با زیر پا گذاشتن گستاخانه ابتدایی ترین موازین حقوق بشر فقط برای زهر چشم گرفتن از کارگران مبارز، در محوطه کارخانه تیرباران کردند.

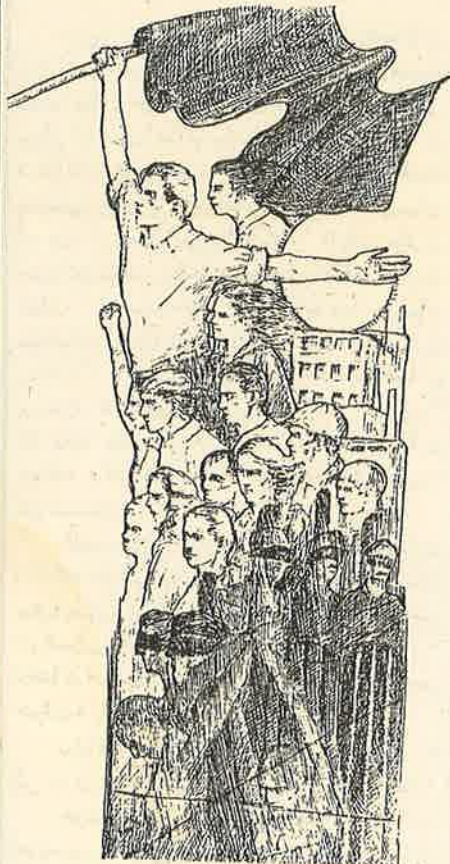
اما این جنایت، که پرده از ماهیت رژیم خودکامه قرون وسطایی حاکم بر جان و مال و ناموس توده های زحمتکش سر می دارد، نتوانست مبارزه پیگیر و سرسخت کارگران قهرمان و از جان گذشته کارخانه ذوب آهن اصفهان را علیه سیاست ضد مردمی رژیم دایر بر از بین بردن یکی از مهمترین و حساس ترین پایه های دستیابی به استقلال اقتصادی ایران - مجتمع ذوب آهن اصفهان - متوقف سازد.

دشمنان استقلال ایران، که از مدت ها پیش تبلیغات دامنه داری علیه یگانه مجتمع صنعتی متکی بر منابع داخلی، به بهانه عدم سودآوری برانداخته بودند، بالاخره موفق شدند نقشه عمیقاً ضد ملی تقسیم مجتمع ذوب آهن اصفهان به واحد های جداگانه به منظور واگذاری بخش های سودآور به کلان سرمایه داران را به تصویب برسانند.

بقیه در صفحه ۴

درود به کارگران مبارز مجتمع ذوب آهن اصفهان

پی بردند به حق خواهان متوقف ساختن این طرح شدند. اما وقتی سران رژیم به خواست کارگران پاسخ رد دادند، نخست کارگران واحد کوره بلند دست از کار کشیدند،



ولی با یورش وحشیانه و خونین سپاه پاسداران مواجه شدند. اعمال تبهکارانه بازاری مسلح رژیم خشم و نفرت همه کارکنان کارخانه را برانگیخت و با پیوستن کارگران دیگر واحد ها، اعتصاب سراسر کارخانه ذوب آهن را فرا گرفت. بقیه در صفحه ۲

مبارزه پیگیر و متحد کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان علیه سیاست ضد مردمی رژیم دایر بر از بین بردن یکی از حساس ترین پایه های دستیابی به خودکفایی صنعتی، یعنی مجتمع ذوب آهن اصفهان، وارد مرحله نوبینی شده است.

اگر چه رژیم ج ۱۰ می کوشد با محاصره کارخانه و برقراری سانسور شدید از رخنه حقایق مربوط به اعمال خونین و تبهکارانه ارگان های سرکوبگر جلوگیری کند، اما اخباری که می رسد نشان آن است که حاکمیت ضد خلقی در این مجتمع عظیم صنعتی دست به جنایت هولناکی زده است.

چنانکه در اعلامیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گفته می شود، ارگان های سرکوبگر ۱۰ نفر از کارکنان ذوب آهن را، بدون کوچکترین مجوز قانونی و با زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین موازین حقوق بشر، فقط برای زهر چشم گرفتن از کارگران مبارز در محوطه کارخانه تیرباران کرده اند.

از مدت ها پیش دشمنان استقلال و آزادی ایران، مجتمع ذوب آهن اصفهان را، که مهمترین بخش صنایع سنگین کشور به شمار می رود، آماج حملات خود قرار داده اند. تبلیغات گسترده ای در باره با اصطلاح عدم سودآوری بین مؤسسه عظیم در مطبوعات مجاز کشور آغاز شده و دامنه آن به ارگان های انحصارهای امپریالیستی نیز کشیده شده است.

در ماه های اخیر با اتخاذ سیاست واگذاری صنایع بخش دولتی به بخش خصوصی (که در مواردی نیز به موقع اجرا گذاشته شده) زمینه تعاونی کردن "مجتمع ذوب آهن اصفهان نیز بالا گرفت.

ولی از روز نخست روشن بود که هدف تنظیم کنندگان این نقشه ضد ملی، تقسیم مجتمع ذوب آهن به واحد های جداگانه و واگذاری بخش های سودآور آن به کلان سرمایه داران است.

کارکنان ذوب آهن که به ژرفای این خیانت

اعتراضات و نسبت به صحنه سازیهای رژیم

روزنامه "اومانیته"، ارگان حزب کمونیست فرانسه، متن اعتراض دبیرش ۳۰ ژوئیه را نسبت به سرنوشت رهبران بازداشتی حزب توده ایران و برگزار "محاکمه" قریب الوقوع آنها را بچاپ رسانده است.

۳۰ ژانویه دبیرش ۳۰ ژوئیه در پاسخ به پرسش روزنامه نگاران درباره رهبران حزب توده ایران اعلام کرده است: "صحنه سرکوب در ایران از چند سال پیش خشم و نگرانی ۳۰ ژوئیه را مانند همه دمکرات ها در جهان برانگیخته است. "محاکمه" ادعایی رهبران حزب توده ایران که بایستی در آینده نزدیکی برگزار شود، چیزی نخواهد بود جز یک صحنه سازی زشت طرح ریزی شده از سوی حکومت تهران."

۳۰ ژوئیه خواهان آنستکه "محکومیت های قبلا اعلام شده لغو گردد و یک محاکمه واقعی با تضمین حقوق دفاع برگزار شود و یک گروه از وکلای پزشکان خارجی بتوانند برای بررسی وضع جسمی که بازداشت شدگان در آن بسر می برند و شرایط بازجویی و وسایل بکار رفته برای گرفتن اقرارنامه ایران سفر کنند."

خشکسالی در ایتوبی دستاورد کارزار شوروی ستیزی در ایران

رسانه های گروهی ایران که آبشخور اصلی آنها اخبار سیاسی ساخته دستگاه امپریالیسم خبری است، به ویژه در کارزارهای دوره ای کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی که هر چند یکبار به بهانه ها و مناسبت های گوناگون از طرف امپریالیست ها برافراشته می افتد، با جوش و خروش فراوان شرکت می کنند و از خوان امپریالیسم خبری بهره خوری می پردازند. کارزار جدید پیرامون بروز بلای طبیعی خشکسالی در ایتوبی و کمکهای اتحاد شوروی به این کشور است.

بقیه در صفحه ۸

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

دروبه کارگران مبارز مجتمع ذوب آهن اصفهان

استدلال سران ج ۱۰ دایره عدم سودآوری مجتمع ذوب آهن اصفهان، فسقسطای بیش نیست. هدف، فوجیه سیاست ضد مردمی اقتصادی و مالی رژیم است که مجموعه صنایع کشور را با ورشکستگی روبرو ساخته است. وقتی دولت فاقد برنامه صنعتی است بیا در پیش گرفتن سیاست ترور و اختناق کارگران و مهندسان لایق و کارگران دگراندیش را روانه زندان ها کرده و یا آنها را به مهاجرت واهی دارد، طبیعی است که شیرازه صنعتی کشور از هم خرابد گسست. وقتی بازار ایران به عرصه تاخت و تاز انحصارهای غول پیکر فولاد امپریالیستی تبدیل شده و سالیان به بیش از ۷ میلیون تن فولاد وارد کشور می شود، واضح است که علیرغم کوشش کارگران و مهندسان ایرانی، موجبات زیان و حتی ورشکست هر موسسه ای فراهم خواهد آمد.

ناگفته پیداست که سرمایه دار، در هیچ رشته ای که سود آور نباشد، سرمایه گذاری نمیکند. در نظام سرمایه داری سودآوری هرچه بیشتر سرمایه ارتباط منعی با استثمار هر چه بیشتر کارگران دارد. هدف رژیم سپردن سرنوشت کارگران به مشت غارتگر داخلی و خارجی است.

در اعلامیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران بد رستی گفته می شود: "موج نوین نبرد اعتصابی کارگران و واکنش وحشیانه رژیم زمانی آغاز می شود، که رهبران ج ۱۰ سیاست احمیای نظام سرمایه داری وابسته ونوسازی مواضع از دست رفته امپریالیسم و انحصارهای غارتگر خارجی را در پیش گرفته اند و با ادامه جنگ خانمانسوز و بی حاصل میهن ما راد آستانه ورشکست اقتصادی و مالی قرار داده اند. محافل حاکمه ایران با خیانت آشکار به آماج های مردمی انقلاب یگانه راه حل مشکلاتی را که با آنها روبرو هستند در تجاوز به منافع توده های زحمتکش می بینند. آنها برای اجرای سیاست ضد مردمی خود همانند دوران ستمشاهی از ارگان های سرکبدر مدد می گیرند."

در واقع نیز، رهبران ج ۱۰ که اینک پشت به توده های میلیونی زحمتکش کرده اند، همانها بی هستند که در سال های نخست پسران پیروزی انقلاب وعده های زیادی برای بهبود شرایط کار و زندگی آنها می دادند. کارگران ایران فراموش نکرده اند که آقای خمینی، در آن ایام که هنوز برگزاری جشن اول ماه را قدغن نکرده بود (۱۱ اردیبهشت ۶۰)، در پیام خرد به کارگران نوشت: "بزرداشت ریز کار در این ستون فقرات استقلال کشور، اسطوره سرنوشت ساز رهایی بخش از وابستگی ها و پیوستگی ها وظیفه ای است ملی و اسلامی و همگانی."

یکروز قبل، باز همان آقای خمینی اظهار داشته بود: "دو قشر از ملت ستون فقرات کشور و انقلابند. تشر کارگر، که با مجامعات پیکسیر خود انقلاب را به پیروزی رساند. ۰۰۰ قشر دوم کشاورزان و کارگران اساس استقلال کشورند."

کارگران و کشاورزان حق دارند از وی پرسند:

بقیه از صفحه ۱
چرا پس از گذشت شش سال از انقلاب، اینک از "ستون فقرات" استقلال کشور و انقلاب، از انانی که با "مجاهدات پیکسیر خرد انقلاب را به پیروزی" رساندند با سرنیزه و گلوله پیشواز می شرد؟ به چه علت صاحبان سیم و زر که به اعتراف خود آقایان سهمی در انقلاب نداشتند، با حمایت مستقیم رهبران ج ۱۰، برجای مانده و ناموس کارگران و کشاورزان خاکم اند؟

کارگران از آقای خمینی می پرسند، مگر شما نبودید که در ۲۷ اردیبهشت ماه ۵۸ اعتراف کردید و گفتید: "شما تاجرها می محترم که نبودید. در این میدان ها، من که می دانم که شما نبودید. آنهایی که بودند از کاسب های جزء بودند و این حمل بود. کارگر بود. این طلبه و این دانشگای"

هفته همبستگی با حزب توده ایران در سراسر بریتانیا

در پی پخش خبر برگزاری محاکمه رهبران بازداشتی حزب توده ایران و انتشار اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، کارزار همبستگی بزرگی از سوی احزاب برادر و همه نیروهای دمکرات و مترقی نسبت به حزب ما و اعتراض علیه صحنه پردازیهای نفرت انگیز رژیم ج ۱۰ برگزار گردید. از جمله "مورنینگ استار"، ارگان مرکزی حزب کمونیست بریتانیا، ضمن چاپ مطلبی تحت عنوان "کمونیست های ایران: به ما برای متوقف کردن دادگاه نمایشی رهبرانمان یاری رسانید" (۱۴ نوامبر ۱۹۸۴) خاطر نشان می سازد که "کمیته دفاع از حقوق خلق ایران" یک هفته همبستگی در سراسر بریتانیا سازمان خواهد داد. در مطلب "مورنینگ استار" می خوانیم:

کمونیستهای ایران برای جلوگیری از برگزاری دادگاه نمایشی رهبران خود که در حدود ۲ سال پیش از سوی رژیم واپسگرایی جمهوری اسلامی در تهران بازداشت شده و تحت شکنجه قرار گرفته اند، دست کمک به سوی جنبش کمونیستی جهان دراز کرده اند.

دادگاه قرار بود در ۱۲ نوامبر آغاز شود، ولی بدون ارائه هرگونه دلیلی، به تحویق افتاد. حزب توده ایران در پیام خود به احزاب کمونیستی و کارگری جهان گفت که در دو سال اخیر مقامات جمهوری اسلامی در تهران بیش از پیش به راست حرکت کرده اند.

در پیام آمده است: "وقت تنگ است. در خیمنان جمهوری اسلامی نشان داده اند، که از هیچ جنایتی رویگردان نیستند." حزب خطاب به "بین الملل سوسیالیستی" گفته است که رژیم تا کنون دهها هزار تن از مخالفان خود را تیرباران کرده است. هفته آینده در سراسر بریتانیا، "کمیته دفاع از حقوق خلق ایران" یک هفته همبستگی را سازمان می دهد.

بود که همه فقیرند. این طبقه بودند که این نهضت را پیش بردند و خون خردشان را دادند نهضت را پیش بردند."

آقای خمینی، چرا همان تاجرها و همان کلان سرمایه داران دوباره قدرت سیاسی و اقتصادی را قبضه کرده اند و کارگران و خانواده های آنها محکوم به فقر و گرسنگی و مرگ تدریجی شده اند؟ مگر شما در مصاحبه با مجله آلمانی "اشپیگل" (۱۶ آبان ۵۷)، چند ماه قبل از پیروزی انقلاب نگفتید که حکومت شما باید "حیات ملی" را نجات دهد، "به مردم کشور آزادی و به کشور استقلال را بازگرداند و بجای نظام استعماری، عدالت اقتصادی را برقرار سازد."

ولی امروز نیز مانند دیروز ایران به زندانی برای میلیونها کارگر و دهقان تبدیل شده و استثمار زحمتکشان با حدت و شدت دوران ستمشاهی ادامه دارد و وقتی زحمتکشان برای استقرار عدالت اجتماعی بپا می خیزند، شما و یارانانتان دست به همان اعمالی می زنید که ما موران ساواک مرتکب می شدید: زندان و شکنجه و اعدام.

کارگرانی که امروز برای احقاق حقوق خود به مبارزه برخاسته اند، فراموش نکرده اند که شما در مصاحبه فوق الذکر گفتید: "وضوح در ایران به صورتی بوده است که حقوق کارگران و رعایا را سرمایه داران بزرگ و مالکین بزرگ برده اند و امروز هم دارند می برند. بدین جهت آنان مالک کارخانه ها و زمین های خود نمی باشند. ما همه آنان را به پای میز محاکمه می کشیم؛ ما ملک آنان را مورد بررسی قرار می دهیم و حقوق همه مردم محروم را که عمری است مالک بزرگ و سرمایه دار بزرگ خورده اند، به محرومین بازس داده می شود."

زحمتکشان ایران، دهها هزار شهید دادند تا شما و یارانانتان که برای یک قدرتی تکیه زده ایستاده و وعده هایی که داده بودید عمل کنید. اما شما چه کردید؟! اکنون فقط کارگران و دهقانان و مدافعین منافع آنان هستند که در فراموشخانه های جمهوری اسلامی "پای میز محاکمه" کشانده می شوند و گروه - گروه در برابر جوخه های اعدام قرار می گیرند. و این در حالی است که کارخانه ها و زمین ها به کلان سرمایه داران و بزرگان مالکن باز پس داده می شود.

کارگران ذوب آهن اصفهان که امروز دست به اعتصاب زده اند، نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند. آنها در جریان نبرد خونین علیه رژیم ستمشاهی به این حقیقت پی بردند که حق گرفتاری است و نه دادنی. در آن روزهای تاریخی، جامعه کارکنان مجتمع ذوب آهن اصفهان در نامه سرگشاده به وزیر دادگستری وقت نوشتند: "آقای وزیر! ما کشته دادیم تا شما به قدرت رسیدید و می توانیم باز هم کشته بدیم تا شما از قدرت ساقط شوید." آنها کشته دادند و شاه و وزیرانش را از اریکه قدرت پایین کشیدند. ساواک و ارتش تا دندان مسلح شاهنشاهی نتوانستند در برابر اراده آهنین طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان مقاومت کنند. این آموزش تاریخ را باید بدست فراموشی سپرد.

بمناسبت سی و نهمین سالگرد قیام مردم آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۴

دومین جنگ جهانی رو به پایان می‌رفت. بخاطر پیروزی‌های سترگ ارتش آزاد بیخشا اتحاد شوروی شکست فاشیسم درنده خو بروشنی قابل پیش‌بینی بود. شکست قطعی فاشیسم، گردان ضریقی ارتجاعی ترین نیروهای سرمایه‌داری انحصاری، در همان حال پیروزی بزرگ سوسیالیسم و نیرومند شدن زحمتکشان جهان وارد وی صلح و آزادی و ترقی اجتماعی بود. از اینرو امپریالیسم تمام توان تهاجم خود را بر ضد جنبش‌های رهایی بخش ملی و ضد امپریالیستی خلق‌ها از اندونزی، فیلیپین و هند چین گرفته تا ایران و یونان و شمال آفریقا و آمریکای جنوبی گسترش می‌داد.

در ایران نیز سرسپردگان امپریالیسم برای احیای دیکتاتوری خود و استوار ساختن پایه‌های نظام ستمشاهی تلالشاهی تب‌الود و پدانه‌های را آغاز کردند. در نتیجه ساعد‌ها، صدراالاشرف‌ها حکیم‌الملک‌ها و ۵۰۰۰ پرسند نخست‌وزیری‌نشانه می‌شوند. مجلس شورای ملی با سیدضیاءالدین‌ها، امامی‌ها و نویخت‌ها و ۵۰۰ پرمی‌شود. به‌زور سرنیزه حکومت نظامی مطبوعات مترقی توقیف و احزاب و سازمان‌ها و جمعیت‌های مترقی و دمکراتیک زیرگزر سرکوب قرار می‌گیرند. بویژه یورش‌ها به جنبش‌های آزادی‌خواه ایران و حزب توده ایران گسترش می‌یابد. بدینسان امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس با همه توان به میدان آمده بودند تا بوسیله کارگزاران خود نیروهای مترقی و جنبش‌مردمی را در هم شکنند. استقلال کشور، حق حاکمیت ملی و آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک مردم در معرض خطر جدی قرار گرفته بود. در این شرایط نیروهای پیشرو و میهن‌دوست مبارزه و پایداری خود را علیه امپریالیسم تشدید کردند. مردم آذربایجان در رده‌های نخست‌این مبارزه مقدس به قیام برخاستند.

قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴

بیانیه ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ که به مناسبت تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان منتشر شده بود، تصمیم راسخ نیروهای پیشرو خلق را برای برپایی سازمان سیاسی خود اعلام کرد. در مدت کمی کمتر از یکماه، در همه شهرها و دهات آذربایجان انتخابات آزاد، که تا آنروز در تاریخ ایران سابقه نداشت برگزار شد. در همه‌جا ۳۲۴ کنگره فرقه دمکرات آذربایجان تشکیل یافت. کنگره‌ها ماهه و اساسنامه "فرقه" را از تصویب گذراند. کمیته مرکزی مرکب از ۴۱ تن انتخاب و سید جعفر پیشه‌وری به صدر آن برگزیده شد.

پیشه‌وری، سه روز بعد از انتشار بیانیه، در سخنرانی خود در تالار تئاتر دولتی آذربایجان در تبریز با اشاره به نقشه ایران گفت: "خواست‌ها و گفته‌های ما همه در داخل این نقشه است و هر چه می‌خواهیم در داخل ایران می‌خواهیم. ولی جیره خواران ارتجاع و امپریالیسم که خود

استقلال و آزادی ایران را پیش‌پای استعمارگران قربانی کردند، دیگر بار با حربه پلید خود یعنی بهتان و افترا بمیدان آمدند. چه برجسب‌های ناچسب همانند "وطن‌فروشی" و "تجزیه طلب" که بر قیام مردم آذربایجان نزدیک بودند. تنها به این‌چیز که آنها در راه استقلال و آزادی ایران و اجرای دقیق قانون اساسی، از جمله تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، رعایت آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک مردم بی‌خاصیت بودند. حال آنکه پیش‌از ۲۱ آذر نخست‌وزیر رژیم فاسد پهلوی در جلسه رسمی مجلس، در پاسخ تلگراف شکایت و خواست مردم آذربایجان، شانه‌هایش را بالا انداخته می‌گوید: "ما از این تلگراف‌ها زیاد دیده ایم".

دقیق‌نابال چنین واکنش‌هایی از سسوی حاکمیت بود که مردم آذربایجان کنگره ملی خود را (در ۳۰ - ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۲۴) فرا خواندند. برپایه اسناد موجود، بیش‌از ۲۵ میلیون تنین رای دادند. انتخابات آزاد طی ۵ روز در همه نقاط آذربایجان صورت گرفت. کنگره ملی که در آن ۷۰۰ نفر از برگزیدگان مردم از تمام نقاط آذربایجان شرکت کردند، در عرض یک هفته تشکیل داده شد.

روز ۲۱ آذر مجلس ملی گشایش یافت و به پیشه‌وری، ضد فرقه دمکرات آذربایجان، ماموریت داد حکومت ملی را تشکیل دهد. فرماندهان پادگان‌های نظامی در مقابل عزم راسخ مردم تسلیم و طبق موافقت‌نامه خلع سلاح شدند. قیام قهرمانانه مردم آذربایجان به پیروزی دست یافت.

بهبه‌سازیهای حکومت ملی آذربایجان

حکومت ملی آذربایجان در زندگی بسیار کوتاه خود، به‌سازی‌های ژرفی در همه گستره‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی آذربایجان انجام داد که دست‌و‌دشمن‌به‌آن اعتراف دارند.

در زمینه کشاورزی و مناسبات ارباب - رعیتی اصلاحات بنیادی آغاز شد. اراضی خالصه (متعلق به دولت) و املاک فئودال‌ها و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم که به نهضت و مردم‌خیزان کرده بودند، به رایدان در بین روستائیان

(حدود یک میلیون خانوار) تقسیم شد. برای کمک به روستائیان تهیدست که ابزار کار و کشت، بذر و کود و دیگر نیازهای ضروری را جهت احیای کشاورزی در اختیار نداشتند، "بانک فلاح" و "شرکت ماشین‌های آبیاری" ایجاد گردید. برای خشکاندن ریشه بیکاری‌چاو اندیشی‌های جدی بعمل آمد. کارخانجات قدیمی بازسازی و توسعه یافت. کارخانجات و موسسات صنعتی تازه‌ای برپا گردید. کارخانه‌ها تحت نظارت مستقیم کارگران با بهره‌دهی زیاد کاری کردند. قانون کار دمکراتیک تصویب و پیاده شد.

اقداماتیکه حکومت ملی برای رفع نیازمندی‌ها

های مالی آذربایجان بعمل آورد (دولت مرکزی همه اعتبارات آذربایجان را مسدود و حتی ۱۶ میلیون تومان پول مردم را از بانک‌های آذربایجان خارج کرده بود). اعتبار سهام خزانه آذربایجان را به قدری زیاد کرد که هر ده ریالی در بازار تبریز به یازده ریال خرید و فروش می‌شد.

(روزنامه داد ۲ مرداد ۱۳۲۵). شبکه بهداشت عمومی پی ریزی شد. زبان آذربایجان در کنار زبان فارسی، زبان رسمی اعلام گردید و به بین سبب امکانات وسیعی در بهبود و پیشرفت وضع آموزش و فرهنگ بوجود آمد. تاسیس دانشگاه، توسعه مطبوعات، ایجاد رادیو، احداث چاپخانه "معارف" و "آذربایجان" تشکیل "اداره هنرهای زیبا" "تئاتر دولتی"، "ارکستر ملی فیلامینی آذربایجان"، جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان و غیره به رشد فرهنگ خلق، آموزش و پرورش کودکان و جوانان، مبارزه با بیسوادی و غیره کمک شایانی کرد. حتی دولت‌خیانت‌پیشه قوام در تصویب‌نامه ۷ ماده‌ای مورخه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۵ اعتراف داشت که "اصلاحات آن سامان جلب نظر نموده است".

در ۲۳ خرداد ماه ۱۳۲۵ بین دولت مرکزی و حکومت ملی آذربایجان موافقت‌نامه رسمی به امضاء رسید. این موافقت‌نامه بخودی بخود نشانگر برسمیت شناختن موجودیت حکومت ملی آذربایجان بود.

ولی امپریالیسم و ارتجاع که از روند پیشروی جنبش‌های بی‌بخش خلق به وحشت افتاده بودند، باز بر پا گذاردن همه تعهدات و موافقت‌نامه‌های موجود به بهانه اجرای انتخابات به آذربایجان لشکرکشی کردند. آذربایجان را زیر باران آهن و آتش به خاک و خون کشیدند. راه ابعاد تبهکاری‌های فاجعه‌باری که نیروهای مسلح شاه در آذربایجان آفریدند، از زبان حتی قاضی دوگلاس آمریکایی میتوان حقایق هراسناکی را نقل کرد. او پس از دیدار از آذربایجان نوشت: "ارتش ایران در مسیر خود، آثار خشونت‌برجای گذاشت. مرش دهقانان را آتش زدند، به ناموس‌زنان و دختران آنان تجاوز کردند، خانه‌ها را به غارت بردند، دام‌ها را دزدیدند. ۵۰۰ زندان‌ها ملو از آذربایجان‌های بیگانه است. جوجه‌های دارو اعدام فراوان است. ۵۰۰ یک دهقان پیر آذربایجانی بما گفت: مال و حیثیت ما را پایمال کردند، آثار این حوادث جگر سوز هرگز از خاطر آذربایجانی‌ها زده نخواهد شد".

جنبش‌های بی‌بخش خلق‌های ایران همانگونه که انقلاب ۲۲ بهمن نیز نشان داد هرگز خاموش نخواهد شد.

جاویدان باد خاطره تابناک شهدای قهرمان قیام ۲۱ آذر!



کمک‌های مالی امپریالیسم آمریکا به "مجاهدین افغانی" دو برابر میشود

کمک‌های مالی امپریالیسم به ضد انقلابیون افغانی برای بازگرداندن چرخ بازگشت ناپذیر تاریخ به عقب بازهم افزایش می‌یابد. به نوشته "هرالد تریبون" (۲۹ نوامبر ۸۴) مقامات آمریکا - بی گفته‌اند که مبلغ ۲۸۰ میلیون دلار جهت کمک به ضد انقلابیون افغانی برای سال ۱۹۸۵ اختصاص یافته است. این مبلغ دو برابر "کمک" مالی سال ۸۴ است. هرالد تریبون همچنین خاطر نشان می‌سازد که مبلغ کل "کمک‌های" آمریکا به "مجاهدان" از دسامبر ۱۹۷۹ تا کنون به ۶۲۵ میلیون دلار می‌رسد.

ارقام دقیقی از صدها میلیون دلار که از کانال‌های سری سازمان "سیا" و "پنتاگون" برای خرابکاری در افغانستان به دامن باند‌های ضد-انقلابی سرازیر می‌شود، در دست نیست. هفته‌نامه آمریکایی "تایم" اخیراً نوشت که این واقعیتی است که هر سال نزدیک به ۷۵ میلیون دلار از سوی "سیا" بین باند‌های خرابکار توزیع می‌شود. البته "نیوز ویک" مبلغ کمک "سیا" را ۱۰۰ میلیون دلار نوشت. افزون بر این "کمک" ها به جدول بخشی از گذشته‌های مالی امپریالیسم و ارتجاع برای ضد انقلابیون افغانی توجه کنید:

کشور	مبلغ (میلیون دلار)
ترکیه	۱۰۰
عربستان سعودی و یوگسلاوی و کشورهای مرتجع عربی	۱۰۰
ژاپن	۱۸
آلمان فدرال	۷

براین مبالغ هنگفت باید کمک‌های مالی و تسلیحاتی عظیمی که از سوی چین، ایران، پاکستان، مصر، اسرائیل و دیگر کشورهای ارتجاعی به ضد انقلابیون می‌شود را نیز افزوده شود تا تصویر روشن تری از بودجه عظیم جنگی امپریالیسم و ارتجاع جهانی برای ادا "جنگ اعلان نشده" بر علیه افغانستان د مکرانیک بدست آید. ناگفته پیداست که این بخش‌های سخاوتمندانه قربانی‌ها و دشواررهای تازه‌ای برای خلسق و انقلاب افغانستان بوجود می‌آورد.

سلطان علی کشتمند، نخست وزیر افغانستان، خسارات جنگ اعلام نشده بر علیه خلق و انقلاب افغانستان را یک میلیارد دلار اعلام داشت. با وجود همه فتنه انگیزی‌های ضد انقلاب و کمک‌های فزاینده امپریالیسم و ارتجاع به آن، انقلاب د مکرانیک افغانستان پیروزمندانه از موجودیت انقلابی خود دفاع می‌کند. حکومت انقلابی به رهبری حزب د مکرانیک افغانستان و به یاری توده‌های مردم در راه ساختمان جامعه‌ای آباد و آزاد و مستقل و آینه‌سعدت سعادتمند خلق افغانستان تلاش موفقیت آمیزی از خود نشان می‌دهد.

اعلامیه مشترک ... بقیه از صفحه ۱

در صورت تحقق این نقشه نه تنها ضربه مهلکی بر پیکر نحیف اقتصاد ملی ما وارد خواهد آمد، بلکه بیش از ۵ هزار تن از کارگران ماهسر صنعتی ایران نیز به اردوی بیکاران خواهند پیوست.

کارگران مبارز ذوب آهن اصفهان بساد رک ژرفای این حیانت عظیم در حال تکوین، از سه هفته پیش پیکار د شوار و افتخار آفرینی را برای خنثی ساختن خیانت نومی د دولت آغاز کردند. اعتصاب کارگران واحد کوره بلند بزودیه اعتصاب عمومی در کارخانه ذوب آهن فرا روئید. هم اکنون اعتصاب ده هزار نفری کارکنان ذوب آهن علیرغم جنایت رژیم، همچنان ادامه دارد.

موج نوین نبرد اعتصابی کارگران و عکس العمل وحشیانه رژیم زمانی آغاز می‌شود، که رهبران ج.ا.سیاست ضد مردمی احیاء نظام سرمایه‌داری وابسته و نوسازی مواضع از دست رفته امپریالیسم و انحصارهای غارتگر خارجی را در پیش گرفته‌اند و با ادا "جنگ خانمانسوز و بی حاصل، مبین ما را در آستانه ورشکست کامل اقتصادی و مالی قرار داده‌اند.

سردمداران رژیم با خیانت آشکار به آماج‌های مردمی انقلاب، پیکانه راه حل مستکلاتی را که با آنها روبرو هستند، در تجاوز به منافع توده‌های زحمتکش می‌بینند. آنها برای اجرای سیاست ضد مردمی خود، همانند دوران ستمشاهی از ارگان‌های سرکوبگر مدد می‌گیرند. دستگیری عده‌ای از کارگران و مهندسین، اعدام وحشیانه ۱۰ تن از کارکنان و محاصره کارخانه توسط سپاه پاسداران، نشانگر ترس مکرر حاکم مرتجع از تشدید پیکار طبقه کارگر ایران است.

کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و همدستان آنان در حاکمیت جمهوری اسلامی که از گسترش جنبش کارگری در کشور به وحشت افتاده بودند با بورژوازی سبانه به حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سرهمبندی محاکمات فرمایشی و سیردن گروهی از مدافعین زحمتکشان کشور به جریحه‌های اعدام، قصد داشتند هرگونه صدای حق طلبانه کارگران و دیگر زحمتکشان را در سینه خفه کنند.

محاکمه ضد انسانی مجاهدین خلق را محکوم می‌کنیم

خواستاریم. ما از همه نیروهای مترقی می‌طلبیم که دست به دست هم داده و در مبارزای پیگیر و متحد فریاد اعتراض خود را علیه این همه پیدادگری و ستم بلند کنند. ما اطمینان داریم که تنها اتحاد نیروهای مترقی و نبرد متحد آنها با نیرو- ارتجاعی ضامن پیروزی نهایی و از جمله باز شدن درهای سیاه چال‌ها به روی نیروهای انقلابی د رند است.

" دادگاه انقلاب اسلامی ما زندان را " محاکمه ۱۷ نفر از اعضا سازمان مجاهدین خلق ایران را آغاز کرد. روزی نیست که پیداد - گاه‌های ج.ا.سی. گروهی از فدائیکترین و انقلابی-ترین فرزندان مبین را به پای جوجه‌های اعدام نکشاند و یا به حبس‌های طولانی محکوم سازند. ما این اعمال جنایت‌بار و غیر انسانی را محکوم کرده، آزادی بدون قید و شرط د هاهزار نفر از انقلابیون راستین را از سیاه چال‌های رژیم ج.ا.سی.

تکه‌هایی از یک نامه

مشکلات و مسایل دانشجویی

کمبود استاد، بخصوص در رشته‌های فنی و تخصصی، یکی از بزرگترین مشکلات دانشجویی است. دانشجویان رشته‌های مهندسی اکثرًا در هر ترم بیش از ۱۱ واحد نمی‌توانند بگیرند، تازه آن هم واحدهای عمومی، نه فنی و تخصصی. این کمبود در اغلب رشته‌ها وجود دارد. یکی دیگر از بزرگترین مشکلات دانشجویی علاوه بر کمبود استاد و امکانات آموزشی (کتاب و آزمایشگاه و غیره) وجود جوی اعتمادی و جدایی استاد از دانشجو است. البته این خواست همه استادان نیست بلکه جو حاکم بر دانشگاه‌ها و وجود چشم و گوش‌های رژیم، همچنین تهدیدهای پنهان و آشکار موجب می‌شود تا استادان خود را از دانشجویان کنار بکشند. در یک کلام، کسی برای بهتر شدن وضعیت دانشجویان و آموزش آنها آنطور که باید دل نمی‌سوزاند. استادها دل به کار نمی‌دهند و برایشان فرق نمی‌کند که دانشجو چیزی یاد می‌گیرد یا نه. استادی هم که بخواهد کار کند از کار دلسرد می‌کنند.

چشم و گوش‌های رژیم

سه‌میه بندی دانشجویان مشکلاتی بوجود آورده که در رازمدت ضرایب غیرقابل جبرانی به آموزش کشور ما می‌زند. اکثریت قریب با تفاسیق دانشجویان سه‌میه نهادها، کم‌سواد هستند. خرد مسئولین هم از این امر مطلعند ولی به هر صورتی که هست می‌کوشند این دانشجویان را قبول کنند تا همراه دانشجویانی که در کنکور قبول شده‌اند بالا بیایند. هدف این است که دانشجویان سه‌میه به عنوان چشم و گوش‌های رژیم همواره مواظب دانشجویان دیگر باشند. آنها نه تنها برای حل مشکلات دانشجویی کاری نمی‌کنند بلکه بطور فعال مواظب کسانی هستند که در این راه از خودشان شور و حرارتی نشان می‌دهند. اغلب دانشجویان سه‌میه‌ای، در پی ترفیق‌بچه‌ها، بخصوص بچه‌های شهرستانی به شرکت در برنامه‌های ارتجعی هستند. برای این منظور ساده‌دلی و روحیه مذ‌هبی دانشجویان شهرستانی شدیداً مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. دانشجویان شهرستانی مستقر در خوابگاه‌ها بخصوص تازه واردها تحت کنترل شدید سه‌میه‌ای‌ها قرار دارند. خوابگاه‌ها مثل زندان است.

کنترل شدید دانشجویان

آئین نامه انضباطی دانشجویان که از طرف آموزش عالی و ستاد انقلاب فرهنگی صادر شده هر گونه فعالیت گروهی و فوق برنامه را ممنوع اعلام کرده است، با این حال هستند دانشجویانی که از ترفند های امپریالیسم و حاکمیت ج ۱۰ در جهت فریب توده‌ها آگاهند و حساسیت نشان می‌دهند. جوانه‌های آگاهی و حس مسئولیت در مورد خواسته‌های صنفی و سیاسی میان دانشجویان در حال نضج گیری است و همین مسئله رژیم

را به وحشت انداخته است. مسئولین دانشگاه‌ها و نهاد های حاکم اصرار دارند که دانشجویان بطور فعال از حکومت ج ۱۰ پشتیبانی کنند. تبلیغات گسترده‌ای در همین زمینه صورت گرفته و در قطعه‌نامه سینار دانشجویان انجمن‌های اسلامی هم این موضوع تصریح شده است. این جریان از تابستان امسال شروع شده است که برای ما سخنرانی‌هایی ترتیب دادند. در این سخنرانی‌ها مسئولین مملکتی تصریح و تأکید می‌کردند که دانشجویان در چارچوب خواسته‌های حکومت "فعالیت سیاسی" کنند. در جریان ۱۳ آبان کلاسها به زور از طرف انجمن‌های اسلامی تعطیل شد، به این امید که دانشجویان در راه - پیمايي شرکت کنند. این برنامه در برخی از مدارس و دبیرستان‌ها هم دنبال شد. فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویان به تحقیقات در امور اسلامی ایجاد اردوهای تربیتی در شهرهای مذ‌هبی‌واژ این دست برنامه‌ها، که مورد استقبال چندانسی واقع نمی‌شود محدود می‌گردد. در دانشگاه‌ها تبلیغات دامنه‌داری برای شرکت دانشجویان در جبهه می‌شود. جوانانی که در دانشگاه قبول می‌شوند و سرباز نیستند ناچار با یستی چند ماهی را در جبهه بگذرانند، بعد به سر کلاس بروند. در این میان وضع دانشجویان دختر خیلی اسف بار است. شدت فشارها و تضييقات به حدی است که بیشتر آنها ناچار از ترك تحصیل داو - طلبانه می‌شوند. شرایط اجتماعی طوری است که دخترها ناچارند شوهر کنند وگرنه انواع واقسام حرفه‌ها و بهتانه‌ها در محیط دانشجویی به آنها نسبت داده می‌شود. مسئولین دانشگاه‌ها و نهادها به عمد می‌کوشند تا زنان و دختران دانشجویان را از تحصیل دلسرد کنند.

مشکلات مادی

نداشتن خوابگاه از مشکلات بزرگ دانشجویان شهرستانی است. با توجه به کمبود خوابگاه‌ها دانشجویان اجباراً در اتاق یا پانسیون خصوصی اجاره کنند که این کار برایشان حداقل ماهی دو هزار تومان آب می‌خورد. همچنین هزینه حداقل غذا و رفت و آمد دانشجویان ماهانه سه ۶۰ تومان می‌زند و هر ترم حدود ۳ هزار تومان. غذای دانشگاه خیلی گران شده و در این زمینه آنچنان که باید کمکی به دانشجویان نمی‌شود. کیفیت غذا هم اصلاً خوب نیست. فقط شصت درصد دانشجویان می‌توانند وام بگیرند و تازه آن راهم هر چهار پنج ماه یکبار می‌دهند. اکثر دانشجویان مجبورند در حین تحصیل کار کنند. مهد کودک برای بچه‌ها دانشجویان نیست یا خیلی کم است. این مشکلات اغلب موجب ترك تحصیل دانشجویانی می‌شود که از رفاه مادی برخوردار نیستند. این که می‌گویند فرزندان زحمتکشان را به دانشگاه راه می‌دهند، حرفی است توخالی. با این مخارج سنگین هیچ زحمتکشی قادر به ادامه تحصیل نیست.

خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

اخراج کارگران صنایع فولاد

اواسط مهرماه امسال تعدادی از کارگران "صنایع فولاد اهواز" از کار اخراج شدند. کارگران اخراجی عموماً در تعاونی‌های جوشکاری، برق و تأسیسات کار می‌کردند، (د صنایع فولاد، کارگران در تعاونی‌های مختلف کار می‌کنند). انجمن اسلامی شایع کرده است که این کارگران مورد تأیید "انجمن اسلامی اداره" کار "نبوده‌اند" اما کارگران اخراجی می‌گویند دلیل اخراج مسا آگاهی از زدنند های پشت پرده استانداری خوزستان با مدیران و مسئولین کارخانه تعاونی‌ها است. فی‌المثل بخشی از ابزار خریداری شده برای صنایع فولاد به نرخ دولتی، با چند برابر قیمت در بازار آزاد فروخته شده است و ما از موضوع با اطلاعیم.

سربازان فراری از جبهه

جاده "بهبهان - امیدیه" و "امیدیه - اهواز" توسط سپاه و ژاندارمری تحت کنترل است. درد و راهی "بید بلند - بهبهان" هر اتومبیلی حداقل يك ساعت در ترافیک می‌ماند و مورد تفتیش و بازرسی قرار می‌گیرد. گفته می‌شود که سپاه و ژاندارمری در جستجوی سربازان فراری از جبهه هستند.

اعزام معاف شدگان به جبهه

گروهی از جوانان خوزستانی که در سالهای ۶۱ و ۶۲ به دلایل مختلف از خدمت معاف شده‌اند به بهانه‌های گوناگون به نظام وظیفه فراخوانده شده و بلافاصله به جبهه اعزام می‌شوند. این مسئله شامل معاف شدگان پزشکی هم می‌شود.

کی بود؟ کی بود؟ مانبودیم

در منطقه غرب تهران (خیابان آزادی - خیابان گلها) در خانه‌ای با حضور حدود ۴۰ نفر قایل و آشنا جشن تولدی برگزار شد. ناگهان عده‌ای پاسدار ریختند و همه حاضران - اعم از صاحب خانه و مهمان و پیر و جوان و کودک - راه محل نامعلومی بردند. زنها را ۶۰ ضربه و مردها را ۸۰ ضربه شلاق زدند. موی سر مردها را هم تراشیدند. پاسداران خود را عضو کمیته صادقیه (آزادی) معرفی کردند. فردای آن شب که شرکت کنندگان در جشن تولد به کمیته مزور مراجعه کردند، مسئولین امر از جریان شب قبل ابراز بی‌اطلاعی کردند. این شیوه تازه‌ای نیست. کمیته‌ها به خانه‌ها هجوم می‌برند و هرکاری که دلشان بخواهد می‌کنند، بعد هم که از آنها شکایت می‌شود اظهار بی‌خبری می‌کنند.

از لابلای روزنامه‌ها

متخصصین و درسخوان‌ها شیاطین اند

تخصص تنها در نظر باشد، شیطان متخصص درجه یک است. . . .
 . . . دانشگاه باید مد رسه فیضیه باشد و استاد دانشگاه باید کسی باشد که همه دانشجویان پشت سر او نماز بخوانند .
 . . . دانشجویانی که در نهاد یا ارگانی مشغول خدمت هستند و کمتریه درسخوانند می پردازند مبادا خدای ناکرده آنها کنار گذاشته شوند و به افرادی توجه شود که در روز همه چیز تنها به درسخواندن مشغولند .

آیت الله مشکینی در دیدار جمعی از دانشجویان - اطلاعات، یکشنبه ۱۳ آبان ۶۳
 " دست اندرکاران جذب نیرو باید افرادی را که در دانشگاه ها سم پاشی نمی کنند و توطئه گر نیستند به دانشگاه راه بدهند . البته نه آنهایی که تاکنون قدمی برای اسلام و انقلاب برنداشته اند و اکنون در ادارات و دانشگاه ها با گفتار و اعمالشان با اسلام و انقلاب اسلامی مخالفت می کنند . . .
 . . . هر نوع تخصصی بدون تقوا برای کشور ضررش بیشتر از تقوای بدون تخصص است . . . اگر

در جمهوری اسلامی "چپ و سوسیالیست" مدافع محرومان است

فرض کنید می خردند کیلویی ده تومان و می فروشند چهل تومان . تا ما می آییم بپرسیم که این سسی تومان را در این وسط کیها می خورند ؟ چه کسانی می خورند ؟ ناهیان صداهایی بلند می شود که این آقا سوسیالیست است . تا می میگویم چرا این همه واسطه و دلال و کارهای غیر تولیدی و انگلی در فاصله میان تولید کننده و مصرف کننده بوجود آمده و حائل شده و قسمت اعظم درآمد را در این وسط همین ها می خورند و اینهمه حق تولید کننده و مصرف کننده پایمال می شود فرغ ادهای می گویند این آقا چپ است .
 . . . ما تا می آییم و می گویم تحاونی های واقعی و مردمی را باید گسترش داد تا مردم خودشان ما محتاج خودشان را از زبان تهیه کنندگان و آن آقا دویست میلیون تومان از جیب مصرف کننده نخورد . . . می گویند شما سوسیالیست هستید ! "

فخرالدین حجازی در مراسم بزرگداشت جواد گرامی - اطلاعات، ۱۷ آبان ۶۳
 " روزنامه ها چرا خود سانسوری می کنید ؟ روزنامه ها آنقدر گرفتار ملاحظات و مصلحت اندیشی ها شده اند که خودشان تا می بینند در این یا آن مطلب يك كلمه وجود دارد که ممکن است به کسی و هابی بر بخورد آنرا سانسور می کنند . چرا ؟ این روزنامه نشد ، اگر اینطور اده پیدا کند دیگر روزنامه های درکار نخواهد بود . الان صفحات اول روزنامه ها ، تیترها ، خبرها تکراری است . مردم همان خبری را که از رادیو تلویزیون هم شنیده اند دباره و چند باره باز در هم روزنامه ها بطور تکراری می بینند و می خوانند . همه مثل هم است . چرا ؟
 . . . ما رفتی به یکی از مناطق و دیدیم محصول را از تولید کننده بیچاره زحمتکش مثلاً

"اول آدم های حسابی سپس هژبریزدانی!"

حسابی هر چه میخواهند بیایند و سرمایه بگذارند و محدودیتی نیست . . . (سرمقاله اطلاعات ۱۶ مرداد ۶۳ به نقل از رئیس مجلس شورای اسلامی)
 مخالفت با بازگشت هژبریزدانی دلیل بر مخالفت هاشمی رفسنجانی با سرمایه داران وابسته نیست . ایشان از ترس واکنش مردم زحمتکش و فرزندانشان در قوای مسلح که آنان را "رزمندگان" می خوانند ، شرکای عجول خود را در حکومت

" امروز کار به افراط کشیده شده ، کار به جایی رسیده که سرمایه دارانی که خون مردم را مکیده اند یکی یکی دارند برنی گردند و مطالبه دزدی - هایشان را از ما می کنند . باز آقایان می گویند امنیت اقتصادی . برای چه ؟ شما معتقدید که هژبریزدانی را هم بیاوریم و به او امنیت اقتصادی بدیم ؟ اگر از پنجه های او زر برای مملکت بریزد رزمندگان ما پا های ما را قلم می کنند اگر بخواییم اجازه بدیم به اینطور آدم ها البته آدم های

به صبر و حوصله بیشتری دعوت می کند . آخر شرایط هنوز برای لباس "شرعی" پوشاندن به هژبریزدانی و "تطهیر" او فراهم نیست .
 بیان دوپهلوی و پر رمز و راز ، شیوه سازشکارانه است که به مرحله دلالی سرمایه داری سقوط کرده - اند . درست است که با سرکوب سازمان ها و احزاب انقلابی و به بند کشیدن مبارزان و تیرباران هزاران رزمنده انقلابی می توان در دفاع ز سرمایه - داری کمی جسورتر بود . ولی تا وقتی که امید به انقلاب در دل توده ها است باید احتیاط را از دست نداد . اینست علت واقعی سخنان دوپهلوی حاکمان مرتجع جمهوری اسلامی . جوهر کلام رئیس مجلس شورای اسلامی آنگاه آشکارتر می شود که می گوید : "البته آدم های حسابی هر چه می خواهند بیایند سرمایه بگذارند و محدودیتی نیست . . . " بدین ترتیب نعره مخالفت با بازگشت سرمایه داران وابسته - همالکی های هژبریزدانی - چون حیابی می ترکد .

بنظر می رسد رئیس مجلس شورای اسلامی " آدم های حسابی " چنین حاج آقا بر خود ابر و حاج آقا لاجوردی و امثالهم بسیار در آستین دارد . اگر ۶ سال پیش در پاریس خمس و زکوة آقایان را به علت جو انقلابی نتوانستند بپذیرند اکنون که از برکت وجود حکام شرع دادگاه های انقلاب و ده ها نهاد سرکوبگر حکومتی ، امنیت برای سرمایه طبق " موازین شرعی " برقرار شده است چگونه می توان از این " وجوه شرعی " کلان چشم پوشید ؟

بیهوده نبود که اموال غارتگران سرسپرده " شاه " را بعد از ۶ سال در توقیف نگه داشتند و نه تنها از استرداد آنان به بیت المال خبری نشد ، که از دسترنج زحمتکشان نیز برای نگهداری این اموال مایه گذاشتند .
 " همین جور يك حرف زده نشود که این دادگاه ها همین جور اموال مردم را مصادره می کنند . حالا روزه های اول انقلاب طورد دیگری بود . از همان چند ماه بعد که گذشته این اموال اینجوری است . . . خانه هایشان را حفظ می کنند ، قالیهایشان را دارند . حفظ می کنند ، پولهایشان را دارند حفظ می کنند ، کارخانه ها - ییشان را دارند حفظ می کنند ، نه داشته اند . . . " (نماز جمعه ۶ مهر)

اختلاف سازشکاران با راست افراطی عربان اینست که راست ها می گویند همین حالا همه غارتگران را برگردانید و سازشکاران می گویند اول با سرمایه داران " حسابی " که لقب حاج آقا را بدک می کشند شروع کنیم ، هژبریزدانی و تعداد دیگری از زالوها مدتی بانتظار بمانند بهتر است . هر وقت شرایط مساعد شد ، زبان دیرکرد هم به آنها می پردازیم .

پیکار مستمر در راه وحدت عمل کلیه مبارزان راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی

يك وظیفه انقلابی است !

پیامهای شادباش بمناسبت سالگرد تأسیس حزب توده ایران

پیام شادباش حزب کمونیست اسپانیا

رفقای گرامی،

بمناسبت چهل و سومین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران گرم ترین شادباش‌های رفیقانه و همبستگی انترناسیونالیستی ما را بید بفرستد. حزب کمونیست اسپانیا حزبی است باریشه - های ژرف تاریخی و انترناسیونالیستی. حزب شصت و چهار ساله ما چهل سال از زندگی خود را در شرایط پنهانکاری و رویا روی با فاشیسم گذرانده است. از اینرو، حزب ما شرایط و دشواریهای کنونی شما را بخوبی درک می‌کند. امروزه ارتجاع داخلی با همدستی امپریالیسم در صدد نابودی حزب شما و دستاورد های انقلاب ایران است. اما همانگونه که ارتجاع اسپانیا نتوانست ما را نابود سازد، ارتجاع ایران و امپریالیسم نیز به هدف خود دست نخواهد یافت (۰۰۰).

ما فریاد اعتراض خود را علیه سرکوبگری خونینی که در ایران علیه کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی برافزوده است، بلند می‌کنیم و ادامه جنگ خونین میان ایران و عراق را محکوم می‌سازیم.

ما خواهان وحدت عمل همه نیروهای اپوزیسیون علیه سیاست ارباب و تضييق فرمانروا - یان کنونی ایران و پدید آوردن د ورئما ی حکومتی د مکرانیک و مردمی هستیم.

رفقای عزیز،

از اینکه کمک بیشتری به شما نمی‌توانیم بکنیم، متأسفیم. اما به شما اطمینان می‌دهیم، که همه امکانات سیاسی و معنوی خود را در اختیار شما خواهیم گذاشت، همانگونه که چنین کمکی را به همه احزاب کمونیست و جنبش‌های انقلابی، که در راه صلح، آزادی، سوسیالیسم و کمونیسم می‌زنند، وظیفه خود می‌شمیریم.

با گرم ترین درود های برادرانه و کمونیستی و آرزوی موفقیت حزب شما در سازماندهی و زحمتکشان و خلق ایران در مبارزه عادلانه برای آزادی و پیشرفت اجتماعی.

د ولورس ایباروری (صد ربحزب کمونیست اسپانیا)
خرال دو ایگلسیا (د بیرکل حزب کمونیست اسپانیا)

یورش

مه اندر مه کلاف تیرگی در تیرگی پیچان
رخان زرد در سرخای خون هر سایه در هر سایه ای پنهان

شب اندر شب تب اندر تب تب زندان شب زندان
شب زنجیر در زنجیر در بندان
رخان آشنا از خون بی مرگان حنابندان

صدایی نیست حتی از خرسانگی که می خوانند ؟
شب آبستن در دستان بی درمان

یورش آورده تاریکی به هر سویی
یورش آورده خون هر سوبه تاریکی

کلیدی که نه در قفلی قدیمی باز می چرخد
دستان درای در زحیم است و سنگین گام های او
و رگ هایی که تیغی می شکافد در شب انبوه

صدای تیرباران است در باغ سپیده ضجه دلگیر یاران است

جلال سرفراز

۲۷ تیر ۶۲

پیام شادباش حزب کمونیست (اسپانیا)

رفقای عزیز،

برای ما مایه بسی افتخار است که بمناسبت چهل و سومین زادروز حزب توده ایران، صمیمانه ترین و گرم ترین تبریکات خود را خطاب به کمیته مرکزی و اعضاء حزب شما بفرستیم و کامیابی های هرچه بیشتری را برای شما در آینده آرزو کنیم. ما از اوضاع کنونی ایران آگاهی داریم و میدانیم که مبارزه شما در شرایط فشار، تضییقات، شکنجه و کشتاری که جمهوری اسلامی پاره انداخته، باچه خطرات و دشواریهایی رویا روی است. ولی به این نیز اعتقاد داریم که علیرغم همه این دشواریها، شما مانند گذشته از آزمون کنونی سرفراز بیرون خواهید آمد (۰۰۰).

رفقای عزیز کمیته مرکزی و اعضاء حزب توده ایران با د بگر شادباش صمیمانه ما را بید بفرستد. ما و ارم که در آینده مناسبات دستا نه و همبستگی برادرانه میان د و حزب هر روز استوارتر شود. د و حزبی که بخاطر آرمان های مشترک بیکار می کنند.

با درود های گرم و برادرانه
از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست (اسپانیا)
فیدل آلونسو، دبیر مناسبات بین المللی حزب کمونیست (اسپانیا)

بازهم درباره اعتصاب در "کانادادرای" (ساسان)

بقیه از صفحه ۵

رفتار خشن پاسداران با ما موران ساواک قابل مقایسه بود. شمارد سنگین شدگان به ۶۲ نفر رسید. در جریان اعتصاب نماینده لاجوردی سخنرانسی کرد. وی در حین درگیری می خواست کلت خود را از کمر بکشد که تیری شلیک شد. در این درگیری حدود ۱۵۰۰ نفر از کارگران شیشه و گاز که دیوار سه دیوار کارخانه "کانادادرای" است کارخانه را ترک کردند تا به کمک کارگران "کانادادرای" بیایند اما سپاه و کمیته مانع از خروج آنها شدند.

چند روز بعد از درگیری و اعتصاب کارگران "کانادادرای" به سرکار بازگشتند. حقوق کارگران زندانی شده برای خانواده آنها فرستاده شد. اما خانواده ها از گرفتن حقوق امتناع کرده و خواستار آزادی نان آوران خود شدند. سرانجام مدیریت کارخانه که از گسترش اعتراضات کارگران دچار وحشت شده بود با زندان "اوبین" تماس گرفت و خواستار آزادی ندرجی کارگران شد. تاکنون تعدادی از کارگران آزاد شده اند. در حال حاضر کارگران کم کاری می‌کنند.

هم میهنان عزیز! با بکارگیری و بسیج همه امکانات خود به یاری ده ها هزار خانواده

زندانیان سیاسی بشتابیم!

خشکسالی در اتیوپی

بقیه از صفحه ۱

رسانه های گروهی ایران برای همدایی با مطبوعات و نشریات وابسته و جیره خوار سازمان های جاسوسی امپریالیستی همانند "سیا" با سرهم بندی ترهاتی درباره انقلاب اتیوپی و کمک های اتحاد شوروی به آن کشور تلاش می-وززند، در این راه گوی سبقت از همتای آمریکایی و انگلیسی خود برآیند. مطبوعات ۱۰۰ بدون شکافتن ریشه دشواری های اقتصادی کنونی اتیوپی ناشی از یک بلای طبیعی و اقلیمی - آفریقایی مانند خشکسالی - نظام حاکم بر اتیوپی و کمک های برادرانه اتحاد شوروی را زیر علامت سؤال می برند. آنها آگاهانه نمی گویند که در دوران سلطه دیرپای استعمار و پیش از انقلاب ملی - دمکراتیک اتیوپی یعنی در سال ۱۹۷۳ در ایالت ولو اتیوپی دوست هزار زن و مرد و کودک در برابر چشمان خالی از عاطفه دست نشانندگان امپریالیسم و ارتجاع به کام مرگ فرو رفتند و از سوی رژیم هایله سلاسی هیچ گونه اقدامی برای نجات جان آنها صورت نگرفت. در آن شرایط از سنگ صدا در آمد که از رسانه های گروهی امپریالیستی و قلم بدستان مزدور صدادر نیامد. ولی اکنون حکومت انقلابی تدابیر عاجلی برای نجات جان خشکسالی زدگان اتخاذ کرده است. از جمله بید رنگ " کمیته ملی برای مبارزه با خشکسالی " به رهبری منگیستو هایله ماریام برای کمک رسانی به خشکسالی زدگان تشکیل شد.

در کارزار جدید ضد اتیوپی ضد شوروی روزنامه اطلاعات در روز ۳۰ آبان ماه با چاپ سرمقاله " مرگ برای نان؟ " حضور فعالی خویش را در این صحنه اعلام داشت. در این سرمقاله و نوشته های مشابه آن از یکسو برای پرده پوشی خیانت رهبران ج ۱۰ به آماج های انقلاب ۱۲ بهمن و توجیه عقب ماندگی موجود جامعه وازسوی دیگر بخاطر زهر پراکنی علیه نظام جهانی سوسیالیسم تلاش تب الودی صورت می گیرد. در سرمقاله اطلاعات، نویسنده خطاب به هواداران سوسیالیسم علمی می گوید:

"... آری دیدیم و امروز هم داریم بینیم که شوروی با آن همه منابع و ذخایر و ثروت هنگفت و با آن همه بودجه و هزینه ۱۰۰۰ با این همه تبلیغات که شنیده ایم و می شنویم حتی از اداره معمولی اردوگاه کرسنکان در اتیوپی عاجز مانده است! یا نمی تواند و یا بهتر است واقع گرا باشیم و بگویم نمی خواهد." این مقدمه برای گرفتن این نتیجه است که: " آری برادر ایمن چنین است، این چنین بوده و این چنین هم هست. حال قدرتهای بزرگ این است که کس نخارد پشت تو، جز ناخن انگشت تو."

بقول معروف یعنی که یعنی. یعنی اینکه نظام جمهوری اسلامی جوهره سازندگی و عدالت و رسیدگی به حال محرومان و زحمتکشانش است و دیگر در جستجوی عدالت چراغ بدست نگیری و گرد جهان نگردید. می گویند ناودان صدای شرخر خود را نمی شنود. نویسنده فحشنامه

کمک های اتحاد شوروی به خشکسالی زدگان اتیوپی

منگیستو هایله ماریام، دبیر کل حزب کارگر اتیوپی و صدر شورای نظامی - اداری موقت اتیوپی، در یک مصاحبه مطبوعاتی پیرامون دشواری های جاری اقتصادی کشور که زائیده خشکسالی است، به تشریح سیاست اقتصادی رهبری اتیوپی پرداخت. در این گفتگو، هایله ماریام درباره چاره اندیشی های عاجل و نیز پیرامون برنامه کوتاه مدت و دراز مدت مبارزه با خشکسالی سخن گفت.

منگیستو هایله ماریام، در زمینه اقتصادی به نقش پر اهمیت همکاری های اتحاد شوروی با اتیوپی اشاره کرد و اعتقاد راسخ خود را مبنی بر اینکه در آینده نیز همکاری های کشورهای جامعه سوسیالیستی پایه و اساس سیاست اتیوپی سوسیالیستی را تشکیل خواهد داد، اعلام داشت. رهبر اتیوپی از یاری های گسترده انترناسیونالیستی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در غلبه بر پیامدهای سنگین و زیانبار بلای طبیعی خشکسالی سپاسگزار کرد.

از سوی دیگر، خبرنگاران آمریکایی که در مصاحبه تلویزیونی شرکت داشتند با طرح انواع پرسش های تحریک آمیز در عدد درآمد نتوانستند اهمیت کمک های کشورهای سوسیالیستی را به اتیوپی بی ارزش جلوه دهند. هایله ماریام در پاسخ به آنها اظهار داشت:

زیر پای خود را نمی بیند که چه می گذرد. برای پاسخ به یاهو سرایی هایی از این دست بی آنکه در این زمینه سخن را دنبال کنیم به نقل قول از یکی از نمایندگان مجلس اکتفا می کنیم. نماینده قاننات در مجلس درباره پیامدهای فلاکت بار زلزله های سال ۴۷ و ۵۷ یعنی یک بلای طبیعی همانند خشکسالی و نحوه برخورد و عملکرد رژیم نسبت به آن ۶ سال پس از انقلاب می گوید:

" من از شهری می آمیم که هنوز عده ای از مردمش بر اثر زلزله سالهای ۴۷ و ۵۷ در داخل چادرها زندگی می کنند و هنوز خانه برایشان ساخته نشده است و یا اگر می خواسته اند بسازند به علت نداشتن جاده و عدم امکان حمل مصالح خانه ساخته نشده است." (کیهان ۱۷ آبان ۶۳)

اما درباره کمک های اتحاد شوروی به اتیوپی، در گذشته، اتحاد شوروی بارها و بارها بدون داشتن چشمداشتی به اتیوپی کمک های گوناگونی کرده است. ولی در شرایط کنونی، اتحاد شوروی کمکهای ویژه و ضررینی را برای نجات جان خشکسالی زدگان اتیوپی و همیاری با خلق و حکومت انقلابی اتیوپی بخاطر غلبه برد شوری - های موجود در نظر گرفته است. برای کمک به خشکسالی زدگان اتیوپی، اتحاد شوروی علاوه بر مواد غذایی و دارویی و کمکهای پزشکی، تعداد زیادی نانکهای آبرسان، دستگاه های حفرچاه، همراه با کارشناسان و تکنیسین، اعزام داشته است، در اول ماه نوامبر دولت اتحاد شوروی تصمیم گرفت تعداد بیشتری وسایل حمل و نقل و بارکش، از جمله هواپیما، هلیکوپتر به همراه راننده

" کمک های اتحاد شوروی و ایالات متحده را نمی توان با یکدیگر مقایسه کرد. اتحاد شوروی پیش از هر چیز از اصول همبستگی پرولتری پیروی می کند. اما میزان کمک را نه به دلار و نه با ارز دیگر محاسبه نمی کنیم. از این کمکها برای برآوردن نیازهای همسره برداری میشود، گرچه سه چهارم ترابری امر جابجایی مواد غذایی و دیگر احتیاجات اولیه به مناطق آسیب دیده و همچنین انتقال دها هزار انسان از این مناطق به شهرها و استان های دیگر توسط وسایل حمل و نقل که اتحاد شوروی در اختیار ما گذارده، انجام می شود."

منگیستو هایله ماریام خاطر نشان ساخت که کشور، برای غری پیرامون کمکهای خود بسیار رزگویی می کند، ولی درباره فعالیت خود مردم اتیوپی برای رشد اقتصادی کشور و یاری های برادرانه کشورهای سوسیالیستی سخن بر زبان نم آوردند. یا ماهیت آنها وارونه جلوه می دهند. رهبر اتیوپی برای نشان دادن تفاوت کیفی برخورد های اتحاد شوروی با دول غربی به نمونه نفت اشاره کرد. وی گفت که دولت اتیوپی به موقع خود به برخی از کشورهای هاد را این باره مراجعه کرد و بدون پاسخ ماند، در حالی که اتحاد شوروی خواهش اتیوپی را با نفاهم کامل بررسی کرد و اکنون کل مصرف سوخت کشور به حساب واردات از اتحاد شوروی تامین می شود.

خلبان و کارکنان و لوازم فنی آنها به اتیوپی اعزام دارد. در حال حاضر ۳۴ بارکش و تانکر اتحاد شوروی برای حمل بار و آذوقه و آب در اتیوپی مشغول کار هستند. ۱۲۰ هواپیما و ۲۴ هلیکوپتر برای جابجایی خشکسالی زدگان بی وقفه پرواز میکنند. خلبان های اتحاد شوروی روزانه ۸۸ بار در شرایط دشواری به ده منطقه مختلف اتیوپی پرواز می کنند و در هر پرواز ۹۳ تن مواد غذایی به این مناطق حمل می شود. هم اکنون با کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی یک میلیون و نیم از خشکسالی زدگان اتیوپی به دیگر مناطق منتقل می شوند و اقدامات وسیعی در مقابله با این بلای طبیعی صورت گرفته است.

منگیستو هایله ماریام، رهبر انقلاب اتیوپی، به خبرنگاران آمریکایی که تحلیل ها و پرسش هایی مشابه ترهات محافل خبری جمهوری اسلامی داشتند، پاسخ های روشن و دندان شکنی داده است. بدون شک متن این مصاحبه در دسترس رسانه های گروهی ج ۱۰ نیز قرار گرفته است. ولی گویا سیاست کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی چشم دست اندرکاران آن را کور کرده است، آنها این مصاحبه و حقایق دیگر را نادیده گرفته و علیه یک رژیم انقلابی یاهو سرایی می کنند.

مصاحبه رفیق منگیستو هایله ماریام در همین شماره ترجمه و چاپ شده است.